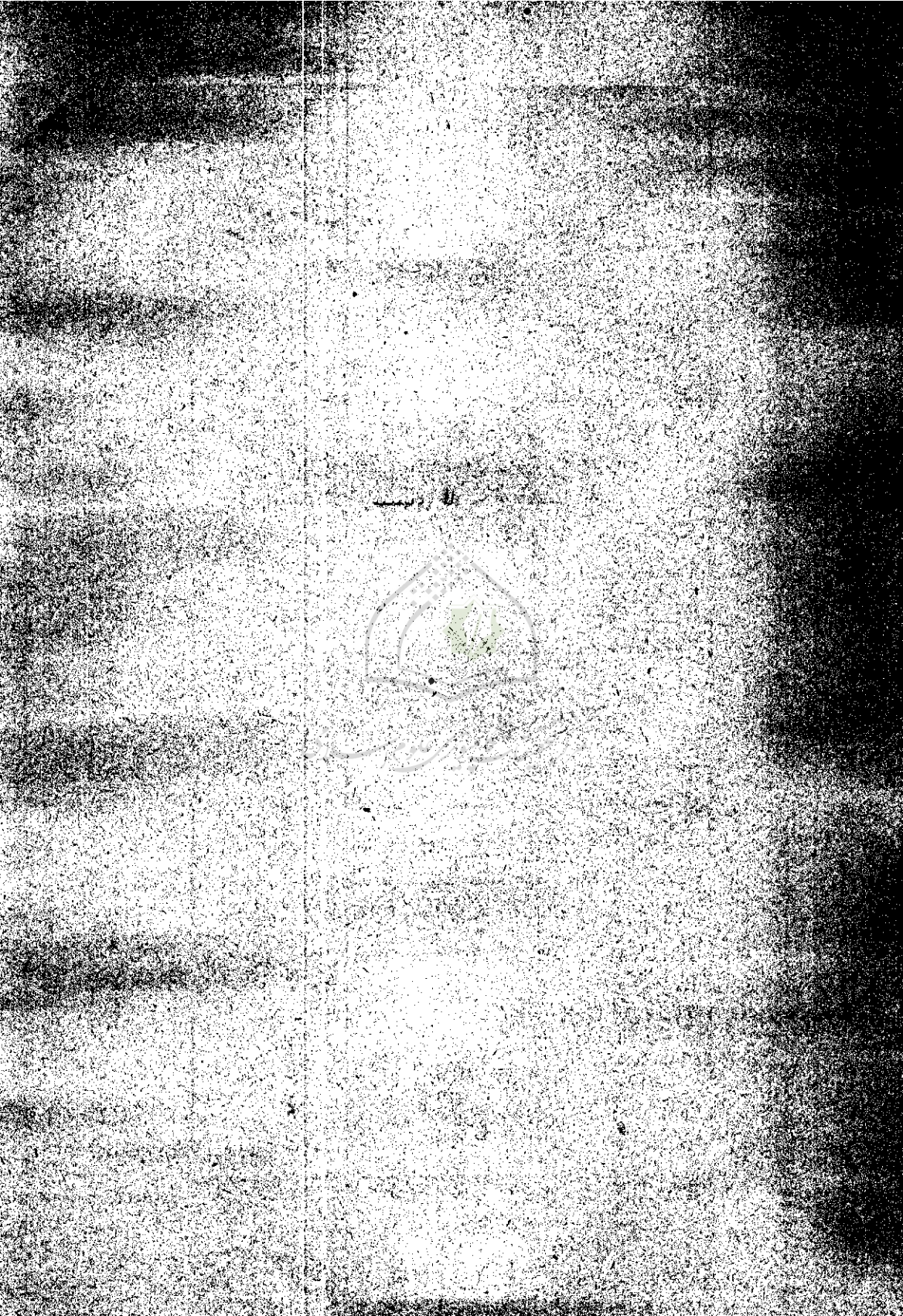


یادداشت‌ها

از خدماتی که در وزارت معادن و صنعتی که
بناسبت شصت و یک سال در کوشش خود
و خدماتی که در معادن و صنعتی که
از تاریخ باز هم تا سال ۱۳۳۸ در کوشش
تهران و سایر شهرها و در کوشش
گذشته معادن و صنعتی که
یکی از معادن و صنعتی که
است که از نظر تاریخی و اهمیت
این کتاب هم از طرف معادن و صنعتی که
و علاوه بر این معادن و صنعتی که
المنار و کوشش

بناسبت اهمیت و معادن و صنعتی که
از کوشش و معادن و صنعتی که
نمود مقاله ای در معادن و صنعتی که
آن برای تاریخ و معادن و صنعتی که
تیمه و معادن و صنعتی که
دانشگاه گرامی و معادن و صنعتی که
در این معادن و صنعتی که

بهر کوشش



معرفی نسخه اصل و متن نامه رشید الدین فضل بن

موقعی که یکی از جلسات
مجلس علمی و تحقیقی در باره
خواجهر رشید الدین فضل الله طیب
همدانی در تبریز (آبان ۱۳۴۸)
تشکیل شد به اهتمام قابل تقدیر
منوچهر مرتضوی رئیس دانشمند
دانشکده ادبیات تبریز نسخه اصیل
و بی نظیر وقفنامه خواجهر که غایب
قسمتهای آن به خط مشخص
اوست به معرض دیدار شرکت
کنندگان قرار گرفت و به
مناسبت اهمیتی که این نسخه
مهم تاریخی دارد در پیشنهاد های
نهایی مجمع گنجانیده شد که
یکی از دستگاه های ملی و
عمومی کشور آن را خریداری
کند تا از تصرفات دائمی روزگار
در امان بماند.

منحصر اطلاعاتی که تا

بسم

ایرج فشار

قبل از آن کنگره، از این وقفنامه در دست بود اشارات و منقولات کمی است که آقای محمود عرفان در مقاله مفید خود به نام «بزرگترین بنیاد خیر در ایران» (به مناسبت آنکه همین نسخه را دیده بوده) مندرج ساخته است و آن مقاله را در یادنامه دینشاه ایرانی Dinshah Irani Memorial Volume (چاپ بمبئی ۹۴۳۱) به چاپ رسانید و عین آن در جزوه‌ای که به مناسبت تشکیل مجلس مورد ذکر به عنوان «رشیدالدین فضل‌الله همدانی» به چاپ رسید (آبان ۱۳۴۸) تجدید طبع شد.



پس از اینکه پیشنهادهای مجلس علمی به مراجع فرهنگی و علمی کشور عرضه شد انجمن آثار ملی که همواره در کار خیر و احیای آثار قدیم مقدم است پیشنهادهای مجمع را مورد رسیدگی قرار داد و به جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی دانشمند گرانقدر و عضو هیأت مؤسس انجمن واگذار کرد تا هر پیشنهادی که بزرگداشت رشیدالدین را در بر داشته باشد عرضه نمایند. ایشان به مناسبت محبتی که به بنده دارند و به مناسبت اشتغال این بنده با امور مربوط به مجلس علمی رشیدالدین موضوع را با من در میان گذاردند. خوشبختانه آنچه عرض شد مقبول خاطر فرهنگ خواه ایشان واقع شد بدین اختصار که به دست آوردن وقفنامه و چاپ آن بهترین و ارزشمندترین خدمت به رشیدالدین و گوشه‌ای از تاریخ ایران است.

پس با تأییدی که از طرف انجمن و مخصوصاً تیمسار سپهبد فرج‌الله آق‌اولی نسبت به این پیشنهاد شد، هم به توصیه جناب آقای دکتر صدیقی، دانشمند کاردان و دلسوز یعنی آقای محمدتقی مصطفوی عضو هیأت مؤسس و خزانه دار انجمن به اتفاق آقای کاشانیان از اعضای محترم هیأت مدیره انجمن به تبریز سفر کردند و توفیق یافتند که این نسخه ممتاز را از خانواده سراج میر دریافت کنند و به تهران بیاورند. مخفی نماند که افراد محترم این خانواده سالهای دراز با کوشش بسیار نگاهبانی این نسخه بی‌مانند و تاریخی را در عهده داشته و توانسته‌اند که

يك اثر ملی و باستانی را از پس هفت قرن در اختیار محققان تاریخ و مشتاقان آثار قدیم قرار بدهند .

پس از آمدن نسخه به تهران به درخواست انجمن آثار ملی و با مراقبت استاد مجتبی مینوی اوراق نسخه که آشفته و در هم شده بود از راه راده هائی که به خط رشیدالدین در آنهاست و نیز از راه ارتباط عبارات و کلمات تاحدی به نظم نخستین خود در آمد اما هنوز چند ورق نامنظم مانده و اوراقی هم مکرر و از نسخه ثانوی است که بعداً باید مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد و بجای خود گذاشته شود . قصد این انجمن بر این است که بدو نسخه بصورت عکسی (فاکسیمیله) به قطع و وضع اصلی در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی طبع شود . در پی آن استاد مینوی و من بنده متصدی آن شده ایم که متن را بصورت سربی با فشارس مختلف به چاپ برسانیم تا استفاده از آن آسان تر شود .



افسوس که چند ورق از نسخه، بخصوص قسمت مربوط به فهرست موقوفات رشیدالدین در آذربایجان از میان رفته است و امید به پیدا شدن آنها کم است . احتمالاً این اوراق بطور عمد از بین برده شده . اوراق مفقود عبارت است از ورقهای يك تا ۹ و ۲۰ و ۷۷ تا ۷۹ و ۸۲ و ۸۴ تا ۸۹ و ۹۱ تا ۹۷ و ۱۳۹ .

در قرن اخیر از روی این نسخه نسخه ای نوشته اند که جزء کتابخانه مرحوم محمد علی تربیت بود و پس از وفات تربیت به اختیار کتابخانه ملی ملك (تهران) در آمده و آنک در آنجا محفوظ است . (ومن خیال می کنم که او آن را برای خود نویسانیده بود)

قطع نسخه و قسامه به وضعی که موجود است ۲۷×۳۶ سانتی متر و قطع نوشته های داخل جدول ۲۹×۲۳ است . اما بحکم بریدگی که در نوشته بعضی از اوراق حاصل شده معلوم است که اوراق بزرگتر بوده است . عدد اوراق موجود (اعم از نسخه اول و اوراقی چند از نسخه ثانوی) ۱۹۱ ورق است (۲۶۶ صفحه اصلی و ۱۳۶ صفحه الحاقی) . اکثر اوراق مجدول به شنکرف و عناوین نیز به شنکرف است .

از این وقفنامه طبق مندرجات همین نسخه موجود پنج نسخه نوشته شده بوده است. اتفاقاً چند ورق از یکی از آن نسخ پنجگانه (به خط کاتبی اما به همان روال نسخه اصلی و با همان کاغذ و تذهیب که در صفحه عنوان نسخه اصل دیده می شود) ضمیمه نسخه موجود شده است.

وقفنامه بصورت کتابی مجلد است و نام آن در صفحه اول به خط ثلث و به طلاً «الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف والمصارف» است. در بعضی از مواضع نسخه تصرفات ناروا شده است، اعم از آنکه مطالب را باک کرده اند یا آنکه کلمات و عبارات را به دلخواه ابناء زمان تغییر داده اند. نسخه اصل توسط خود رشیدالدین مقابله شده بوده است و در ورق ۱۰۴ عبارت «بلغت المقابله» به خط او وجود دارد.



محتویات وقفنامه بطور کلی عبارت است از:

۱ - تسجیلات متعدد از علما و فقها و قضات و ارباب دیوان از قبیل محمد بن عبدالسلام بن عبدالحمید بن عبدالحمید جرفارقانی و محمود بن محمد بن یوسف فخر همدانی و مسعود بن سعد بن محمد یزدی و حسن بن قاسم نیلی و قاضی مجدالدین عبدالله بن عمر بن محمد قاضی تبریز و محمد بن محمد بن محمد بخاری حنفی و محمد بن عبدالله شافعی و احمد بن علی بن جعفر و محمد بن سعید کاتب و رجب بن علی بن احمد سباطی و محمد بن محمد بن کوفی هاشمی و عبدالحمید بن یوسف بن حسین حنفی و عبدالمنعم بن نوری و حسین بن محمد دامغانی و عدّه کثیر دیگر از سالهای ۷۰۹ بعد، و نیز گواهیهای از سالهای ۷۵۰ و ۷۸۵ در آن هست. اهم همه گواهینامه ای است که خلاصه آن نقل میشود:

«مضمون این وقفیه که منبئی است از خیرات و میرات مخدوم جهانیان، پشت و پناه اهل ایمان رشیدالدینا و الحق والدین عماد الاسلام و معیث المسلمین فضل الله بن ابی الخیر بن العالی الطیب الهمدانی و اکثر آن مشرف است به خط مبارکوی و ذکر اوقاف آن در میان وقفیه مکتوب است به خط این ضعیف به

اذن و اجازت وی و بر هر ورقی به خط این ضعیف نوشته است که از وقفیه است نزد این ضعیف واقع و لایح شد و روشن و مبین گشت جمله به اعتراف صریح و بیان فصیح و کلمات منیف و تقریرات شریف که به حضور این ضعیف از خدمت آن مخدوم اعظم که بانی و واقف این اصول و فروع است که در وقفیه مبارک مفصل و مشروح است صادر شد و کلمه کلمه و حرف حرف استماع رفت و بر کلیات و جزویات آن و قوف تمام یافت و این ضعیف بعد از تقدیم و ظایف شرع و تتمیم مراسم سمع که نهی از آن بر ذمت تضاة اسلام و حکام ایام و ولایة احکام واجب و لازم باشد شرعاً به صحت اعتراف واقف مذکور... به صحت مضمون این وقفیه حکم کرده آمد و همچنان به صحت مضمون جزو آخری که به خط اشرف خود نوشته و به آخر وقفیه الحاق فرموده کرد ناطق به آن مصنفاتی که وی فرموده از حاصل آن اوقاف است کتاب کنند بر آن وجه که به قلم اشرف شرح فرموده است حکم کرده آمد و اعترافات فاسده و شبه غیر وارده که عادت طاعنان و معاندان باشد از آن جمله دور کرده آمد به سؤالی شرعی و جمعی از امانا و عدول و ائمة فحول به آن گواه گرفته شد، والله الموفق . کتبه العبد الضعیف عبدالله بن عمر بن محمد الدور (ظ : التبریزی) الحسینی (ظ الحسینی) الحاکم به مدینه تبریز بتاریخ هذه الوقیة المبارکة غرة ربيع الاول سنة تسع و سبع مائة.

۲ - متن قسمت اساسی وقفنامه که حدود و شرایط و وظایف است به خط رشیدالدین و در آغاز صفحه ای تذهیب شده دارد حاوی نام وقفنامه با سه شمسه و در میان این سه شمسه به خط رشیدالدین این عبارات کتابت شده است:

« شرط مؤ کد با فرزندان خویش نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب می کشم و در مقابله حقوق پدری که در ذمت ایشان عقلاً و شرعاً و عرفاً لازم است در عهده ایشان کرده سو گندی غلاظ و شداد ایشان را می دهم خصوصاً با آنانک بر حسب شرط واقف در هر عهدهی نوبت تولیت و اشراف و نظر بدیشان رسد و مباشر این اشغال خیر گردند در آنج این وقفیه را به هر ماهی یک نوبت مطالعه کنند تا بر

احوال شروط آن کما ینبغی واقف شوند و در کیفیت تصرفات واقف گردند و نیز نصیحتی که ایشان را کرده‌ام بلکه گردد تادر محافظت شروط آن به اقصی الغایة بکوشند و نصایح را به دل و جان قبول کرده رعایت آن را واجب شمرند تا حق سبحانه و تعالی و جمیع ملائکه و انبیاء و اولیاء و روح این ضعیف بواسطه امانت و دیانت و نیکو زندگی ایشان راضی باشند و ایشان را نیکنامی دنیوی و ثواب آخروی مدخر گردد ، ان شاء الله تعالی .

آغاز متن وقفنامه عبارت است از :

و حمد و ثناء و رای اعداد حصی و شکر و سپاس فزون از حصر و احصا سازوار حضرت عزت پرورد گاری تواند بود... اما بعد چنین می گوید اضغف عباد الله تعالی و احوجهم الی رحمة ربه فضل الله بن ابی الخیر بن عالی الهمدانی المشتهر برشید الطیب ... که چون خواست که به خط و عبارت و فکر و اندیشه خود از سرایقان و اعتقاد و نیت تمام وقفیه نویسد مشتمل بر شروط مرتبه تا من بعد متولیان بدان کار کنند و از ویاد گار مانند بیشتر اسباب داعیه او بدان و بعضی از احوال آن و ایراد و اعتراض مردم بروقف و خاصیت و فایده وقف بیان کرد و فصلی مشبع در آن باب در قلم آورد تا آن نیز از ویاد گار ماند و سبب تحریر مردم شود بر خیرات و بدان منتفع گردند و چون آن فصل اطنابی داشت مناسب ندید که آن را با این وقفیه ضم کند . پس آن را علی حده بر بالای این وقفیه نهاده در یک جلد ثبت کرد تا آن را علی حده مطالعه کنند و درین موضع این مختصر دیباچه می نویسد و گوید که چون حق جل جلاله و عم نواله بنا برین مقدمات ... در بنای ابواب البرربع رشیدی و سایر ابواب البر که به هر موضع بنیاد کرده و املاکی که پیش از این داشته اکثر آن بر مصالح ربع رشیدی وقف کرده و باقیات که بوده بر سایر تعمیرات همچون مسجد جامع رشیدی به محله شش کیله تبریز و دیگر بقاع خیر که در تبریز است و ابواب

البرهمدان و یزد وقف کرده و جهت هر يك وقفیه شرعی مسجل نوشته و بعضی از آنچه حق تعالی بعد ازین وقفها از املاك روزی کرده هم اضافت آن املاك گذشته کرده و هرچ ازین حصه و خاصه ربع رشیدی بوده از اوقاف قدیم و حدیث بتعیین و تفصیل درین وقفیه که مخصوص است به ربع رشیدی و توابع و مرافق آن مذکور خواهد شدن ان شاءالله تعالی و این وقفیه معروف است بالوقفیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف والمصارف...»
تقسیم بندی مطالب وقفیه طبق فهرستی که پس از خطبه مذکور در فوق نوشته شده چنین است :

باب اول

در تفصیل موقوف علیه از رقبات و اولادو غیر هم و شروطی که بدان تعیین است .

فصل اول

در تفصیل رقبات الخیر ربع رشیدی.

قسم اول : در اصول موقوف علیه (روضه خانقاه . دارالضیافه . دارالشفاء)

قسم دوم : در توابع و مرافق سرای متولی . سرای مشرف . سرای ناظر . حجره ها . حمام . حوضخانه . دوسراچه . انبارها . سقایه ها . دهلیز . سرابستان . خزانه ،

فصل دوم

در بیان اولاد که موقوف علیه اند (علی . جلال . ابراهیم . مجید . عبداللطیف . محمد . احمد . محمود . شهاب)

باب دوم

در ذکر موقوفات و تفصیل و تعیین آن و آن مشتمل است بر دو فصل :

فصل اول

آنچه در تاریخ سابق وقف کرده ام . . . و آن برین وجه است : املاك بلده یزد و نواحی آن . املاك بلده همدان و سراه (؟) . املاك بلده تبریز و نواحی آن

صینت عن آلافات. (از اینجا بعد صورت املاک است و به خط حاکم دیگر است نه شخص رشیدالدین).

فصل دوم

از این فصل جز صفحه عنوانها چیزی زیاد به جا نمانده یعنی منحصرأ یک ورق صورت املاک شیراز و یک ورق از اصفهان و موصل باقی است.

باب سوم

(از اینجا باز به خط رشیدالدین است)

در شرایط این وقف و بیان قسمت حاصل اوقاف بر مصارف.

قسم اول: در شروط عامه

فصل اول

در تعیین متولی و مشرف و ناظر.

فصل دوم

در شرایط مباشران این اعمال.

فصل سوم

در وظایف عمال از عمارات و تحصیل ارتفاعات و عقود اجارات.

فصل چهارم

در بیان مرسوم این عمال از متولی و مشرف و ناظر به حق التولية و اشراف و نظر و بیان حصه ایشان و حصه سایر اولاد.

قسم دوم

در شروطی که مختص است به هر یک از این رقبات موقوف علیها (با خلاصه کردن عنوانها).

فصل اول

در تفصیل امور مصالح مسجد صیفی

فصل دوم :

در بیان احوال مدرسان و معیدان و فقها و متعلمان علم تفسیر

فصل سوم :

در تفصیل و تربیت امور دارالمصاحف و کتب الحدیث در جوار مسجد
شتوی روضه

فصل چهارم :

در تفصیل مصالح بیت‌التعلیم و اهل آن از معلم و متعلمان

فصل پنجم :

در تفصیل و تربیت و تدبیر امور دارالحفاظ

فصل ششم :

در تفصیل امور خانقاه و مصالح آن .

فصل هفتم :

در تفصیل امور دارالضیافه و توابع آن از مطبخ و بیت‌الحوائج

فصل هشتم :

در باب کیفیت آس‌دادن به درویشان و ساکنین از دیگری که معروف است
به دیک مسکینان

فصل نهم :

در تفصیل امور دارالشفاء و شرابخانه و مخزن ادویه ...

فصل دهم :

در شرایط امور بیت‌الکتاب که در سرای متولی است

فصل یازدهم :

در باب غلامان ترك و سایر اصناف که وقف ربع رشیدی‌اند

فصل دوازدهم :

در بیان شروط نان دادن مجاوران و مسافران و عمله بر ربع رشیدی و غیرهم ...

فصل سیزدهم:

در بیان انواع روشنائیها که در ابواب البرربع رشیدی معین کرده‌ام ...

فصل چهاردهم:

در تعیین مساکن مجاوران و ملازمان و عمله ربع رشیدی داخلی و خارجی

حرف اول : بر مسکن مجاوران ربع رشیدی و عمله آن.

دفعه اول : احوال و مسکن مجاوران....

قسم اول : جماعتی که ایشان عزب و مجرد باشند...

قسم دوم : جماعتی که ایشان کدخدا باشند (متولی، مشرف، ناظر، مفسر،

محدث، فراش، کلیددار، طبیب، شرابدار، خادم، مطبخی، خازن، بواب، کچال،

مرتب، سقایان، مشعل‌داران.)

دفعه دوم : احوال و مسکن عمله ربع رشیدی ..

قسم اول : جماعتی که ایشان رامسکن در محله صالحیه باشد...

ادیتمان مؤذنان اتابکان غلامان. متور علوم رشیدی

قسم دوم : جماعتی که ایشان کدخدا باشند و مسکن در محله صالحیه نباشد...

حرف دوم : و آن مشتمل است بر مواضعی که هر يك جهت جمعیتی معین شده...

دفعه اول :

مواضع که آن جهت جمعیت هر وقت و هر قوم معین است.

قسم اول :

مواضع که جهت جمعیت معین گشته .

قسم دوم :

مواضع که خالی باشد.

دفعه دوم :

مواضع که جهت مخزن چیزهای متنوع و انبارها معین شده .

قسم اول :

مواضع جهت انواع مخازن و انبارها که داخل ربع رشیدی معین گشته.

قسم دوم :

مواضع جهت انواع انبارها و مصالح ربع رشیدی خارج ربع رشیدی در ربض و در شهرستان رشیدی و بازار آن معین شده ...

فصل پانزدهم

در بیان آنکه جهت اضافت عیدین ... و ایام عاشورا...

فصل شانزدهم

در بیان شروط و امور مجاری آنها که جهت ساکنان تبریز و شهرستان رشیدی و اهل محلات داخلی و خارجی آن هر دو بقعه و حمامات تبریز ... و رشیدی و کاغذ خانه آنجا و کارزگانه و حمام رشیدی به محله شش کیلان وقف سبیل کرده ام...

باب اول : آنچه جهت ساکنان شهر تبریز به محلات بیرونی شرقی و محلات اندرونی آن و حمامات آنجا وقف مسبل کرده ام ...

باب دوم : آنچه جهت ساکنان شهرستان رشیدی و مواضع محلات آن وقف مسبل کرده ام .

فصل هفدهم : در بیان اجور ارامل**خاتمه :**

فصلی است مشتمل بر بیان مصارف منال و محصولات این يك نیمه که معروف است به وقف رشیدی از تمامات موقوفات.



در انتهای قسمت اصلی وقفنامه به خط خود شرحی درباره طریق اجرای امور وقف توسط متولیان نوشته است و میگوید: «... چون پادشاه سعید مغفور غازان خان انزالله برهانه در وقفیه ابواب البر شنب که در تبریزست شرط فرموده در آنچه هر قاضیئی که در دارالملك تبریز منصوب گردد باید اول

حکم او این باشد که وقفیه شریفیه ابواب البر شنب را محکوم به و مسجل گرداند و بر آن اشهاد کند و نشاید که در آن اعمال نماید یقین حال که تمامت قضاتی که فیما بعد به قضای آنجا منصوب کردند تیمناً و تبرکاً امتثال و انقیاد این شرط که او فرموده بر خود لازم شمرند و هیچکدام از رعایت آن وقفیه درنگذرند بنابراین قضیه این بنده ضعیف از ... آن قضات التماس می نماید تا چون این وقف ریزه که این ضعیف کرده و خیری است که منافع آن به عمل صلحا و مستحقان هر عصری میرسد ایشان نیز خود را در جریده اجرائین ثواب آرند و بروای تسجیل وقفیه شریفه غازانیه این وقفیه را مسجل فرمایند در آن حکم و بر آن اشهاد کنند. این وصیت و نصیحت و شرط و التماس دارد برین وجه که تقدیم یافت کرده شد ...

و ذلك اتفق تحريره في غرة ربيع الاول سنة تسع و سبع مائة هجرية .
این وقف بدین موجب که در این وقفیه بخط خویش میوب و مفصل نوشته ام کردم به شرائطی که بر سبیل مشروح در قلم آورده ام و به مضمون این وقفیه از اول تا آخر آن اقرار کردم و اعتراف آوردم و علم من به کیفیت و کمیت هر یک از افراد این موقوفات و موقوف علیه آن محیط است و برین جمله بر خود گواه گرفتم، کتبه کاتب هذه الوقفية فضل الله ابن ابي الخير بن عالي المشتهر بالرشيد الطيب الهمداني بخطه في التاريخ المذكور فيه...»

۳- قسمت الحاقی است که رشیدالدین خود در متن بدان اشاره کرده و در ابتدای وقفنامه (به اصطلاح قلم خودش « در بالای وقفیه ») قرارداد مطالبی است کلی در لزوم خیرات و میرات و دستورهایی درباره نوشتن تألیفات او از جمله مجموعه الرشیدیه.



معرفی وقفنامه مهم رشیدالدین را فعلاً به همین جا خاتمه می دهد و چون عنقریب طبع عکس آن در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی زیر نظر استاد مجتبی مینوی انتشار خواهد یافت، خواستاران تفصیل را به آن کتاب ارجاع میدهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و اما در این علاج پس در سحر و جاسوس فرود از جعفر واجب است که پسر او حضرت عت برورد که
در کتب کبریا ایضا در بیان ادراک بصر و احاطه برون است که صفات بی نظیر او است
او هم در همه عالم و احاطه مستور و کفون است و کلمات عالم و شیر و نبات آدم سحر مشیت
کون میسوزند و حیرات موشان لطف نموده نوازش بوجود بی شمار در حضرت او پیش
هر جا که او میگذرد و عطای خلایق نامه و نجاشیجات و آنچه از حضرت اجابت برود
حجاب حیات آنست زیند و طاری پسندیده است و صفه اصفا محمد عظمی در
مطرات امان و در آن یک بیان از و و کتم بسیار است **آ**

وجه رتبه فعل الله من الاله بر عالی الهدای المشته بر شهید الطیب امیر الله علیه
که محط معارف و فکر و اندیشه خود از سر ایغال و اعتقاد ریت تمام و دقیقه نویسه است
فانند ادکار نامد **مشربیات** واجب است او بدان بعضی از احوال آن و باراد و انحراف مردم
شیخ در این است که نام آورده آن نیز از ادکار است و بسبب تحریف مردم شود بر حضرت زین العابدین

اگر کسی در این وقت نماز را بجا آورد و در این وقت **سُئِبَ** و
 در نصبت **مُرِد** مرود تا هر متولی که آنها دولت بدو رسد و مباشرت او عمل کردد -
 قراه و ناظر باشد و طریق آن حالت که سینه اش اجتناب کند و شهادت کواها
 بسبب تفرغ محفوظ می دارد و هر وقت که از قاضی که میگوید آن است در کلام ما
 متولی که در آن وقت باشد بر فرد این وقفه را پیش از قاضی ببرد و گواهان
 که نقش شریعت باشد حصول حاکم قاضی گذشته را نزد قاضی که بجای او از
 بار شرایط و ضوابط پایتیه میگذارد و چون عدول را بران سجد اشهاد که
 متولیان در جامعه و خارج از آنگاه می باشد و در **نقد** اراخ در آن مجلس حاضر
 کنیم که هر متولی که در باب تصرف در مال که در فرد که قاضی که مقدم شد
 معص که عدم اوف **بیتوب** نماید و میسجد و عهدت **عَلَيْهِمْ** مکرراده از توبت
 رفته باشد منتقد شود **رجس** در اداه عهد مغفور
 در تدریسات **سُئِبَ** در اراخ هر قاضی که در دار الملك تدریس عدولی
 که وقفه شریعت اجواب **الْبِرُّ** را **سُئِبَ** را حکم **بِهِمْ** و سجد کردیم در آن اشهاد

آن استقصای که میباید بقضای آنجا منصوص کرده است

چون کدام از دعای الیقین در کلام نبی است

ما جور لم دقف بزه که این صحت کردن و ختمی است

در جریده آخر این نواب آورده و بر دای قجیل دقف

بر وصیت رفیقت وسط دقتها سه بر سر

دعا

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کنم بسدا بطی لاری

از اول تا آخر آن امروز کنم ما

از اول این موقوفات رد شود

بکنه کاسه عهد الیقین نه

الله اعلم

والله اعلم

حکم
لا اله الا الله
انسان نزهت
در حکم بران نهاد که
عنه فانما



و بهروردن خط از ضعف بسته است که از وضع
و روش و کشش جمله اعرف صریح
که خصوصاً از ضعف از حد است و معذور است که با
مفصل و مشروح است صاف شد و کلمه کلمه و
از و فکام و اب و لر ضعف بعد از مقدم و
صاه اسلام و حکام ابامرو و اولاد احکام و اجده

و در این کتاب
مفصل از وضع
و روش و کشش
مفصل و مشروح
از و فکام و اب
صاه اسلام و حکام
ابامرو و اولاد
احکام و اجده

وقد الله الصبر جمعاً على خير أفاضل

جزوا خير كخط الشروخ ولا يشرو

ومره لنز حاصله اوقاف اسبكاره

حكره امد واعراضه فاسده

له امله دوكره امد سوالي سرعي وجوه

له العبد الصعب عبد الله بن عمر محمداً

منه الى الامم والاسلام على سبيل من الله ورسوله صلى الله عليه وسلم
والصالحين من اولادهم اجمعين
الحمد لله الذي جعلنا من عباده من عباده
والصالحين من اولادهم اجمعين
الحمد لله الذي جعلنا من عباده من عباده
والصالحين من اولادهم اجمعين

در ذکر حقوقات و تکالیف و غیر آن وارثان
فصل

اول
آج در نواح سابق وقف کرد ام رقم تفاه امام بخت آن در نواح

املاک
دو نواح
بلد نزد
املاک
بلد همدان
و سنراه

املاک

نواح آن صیغ لانات

کامست

قریه میمونته از

کامست
قریه نصرت آباد اروی لاهمبند

ای نواح نزد
لاهمبند

قریه

و این قره از غایت شهرتی که بدین
 اسم دارد مستغنی آید که حدود
 مامات املاکی که بدین ضعف
 معروفست بدین قره از باغات
 و اراضی و قرصه و تلال و جبال
 و عیون و ضوات و انصار و طوایف
 و دور و اصابط و غیر آن مضران
 املاکی بعضی که بدگر ملاک تعلق دارد

مامات

مزرعه که معروفست شهر آباد که متصل
 است با اراضی قره بفرویه و از توابع
 آنست

از توابع بلده نزد حدود اراضی آن متصل
 است کشتوان دمه افز دمانی که مسعود
 بندوک و کشتوان مزرعه طفر آباد
 و کشتوان مزرعه ترک آباد و مقبره محراب
 و کشتوان قره بفرویه مامات حقوق
 و توابع از ضوات و اراضی عامه و غامی
 و باغات و چومه و حصار و دور و رحمت
 و اصطبلات و غیر آن

چهار دانگ و نیم

از طعمه که واقعت در حصار بلده یزد

و

متصل حرم
 قره بندار آباد
 و زمین حوات
 باغی که معروفست
 که معروفست
 بندار آباد مدکو
 از باغی که معروفست
 جنب کشتوان

مامات
 بست و سه